

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازخوانی ضرورت تشکیل و کارکردهای امروزی بسیج

چکیده:

۱- تشکیل ساختارهای مردم پایه و از پایین به بالا با توجه به مردمی بودن نهضت امام(ره)، لزوم تغییر ساختارهای موجود در عصر طاغوت و تشکیل ساختارهای همراه و هم فکر با نهضت امام، فراست و دوراندیشی امام(ره) در تشخیص آینده انقلاب و نیاز به ساختارهایی برای راهبری و حل مشکلات پیش‌رو، پروسه تبدیل انقلاب سیاسی به انقلاب اجتماعی با ایجاد ساختارهای مبتنی بر اندیشه‌ها و ارزش‌های نوین حاکم و لزوم ارتباط با مستضعفین جهان و ایجاد الگوی ساختاری برای آنها از جمله علل تشکیل بسیج از سوی امام راحل بوده است.

۲- بسیج با توجه به نظم یابی امور و پرهیز از شلختگی رفتاری در پسانهضت و به دلیل جامعیت در رفتار و اندیشه هم ساختار است و هم گفتمان.

۳- اگر بسیج را یک گفتمان اصیل انقلابی در نظر بگیریم پادگفتمان بسیج و یا غیریت آن با احزاب و جریانات سیاسی نیست بلکه غیریت و پادگفتمان بسیج با توجه به تقابل نظام اسلامی با نظام سلطه، در مواجهه با نظام سلطه و استکبار جهانی تعریف می‌شود. مسلماً، در این تعریف، رابطه و نسبتی که جریانات سیاسی با انقلاب و نظام اسلامی برقرار می‌کنند مهم است. از سویی با توجه اینکه مسئله بسیج دائر بر محیط انقلاب ترسیم می‌گردد و مشکلات پیش‌روی انقلاب متغیر است؛ بسیج نیز یک مجموعه تک بعدی نیست بلکه روزی ممکن است حالتی دفاعی یا نظامی به خود بگیرد، گاه رویکرد محرومیت‌زدایی داشته باشد، گاه فرهنگی و

۴- کارویژه‌های بسیج در شرایط کنونی را می‌توان مواردی مانند کادرسازی انقلابی و تربیت نیروهای تراز انقلاب، برطرف سازی خلاها و مشکلات موجود در بحرانها و شرایط ویژه مانند سیل، زلزله و ... ، بازدارندگی نظامی با توجه تشکیل ساختار دفاعی مردم پایه، بازوی تعمیق ارزش‌های اصیل انقلاب در محیط داخلی و صدور انقلاب به عرصه

پیرامونی، ایجاد امنیت پایدار بر پایه توانمندی‌های بومی و ظرفیت‌های مردمی، هم‌افزایی با ارکان نظام در خدمت محرومین و مستضعفین، اتخاذ دفاع ترکیبی در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن دانست.

۵- اضمحلال نظم دوره تک قطبی و شکل‌گیری نظم نوین امری قطعی و غیر قابل کتمان است. در این نظم نوین ایجاد ساختارهای همسو با انقلاب اسلامی برای افزایش ظرفیت‌های نظام اسلامی در عرصه بین‌الملل باید مورد توجه قرار گیرد. بسیج با توجه به گفتمان اصیلی که مطرح کرده و تجربه بزرگی که در ۴ دهه گذشته داشته است می‌تواند محور خوبی برای صدور انقلاب اسلامی در تقویت مستضعفین جهان باشد. موفقیت این روزهای مقاومت در مواجهه با نظام سلطه و رژیم صهیونیستی مبتنی بر الگوی کارآمد و مجربی است که بسیج ساخته و بر دل و قلوب ملت‌های مستضعف صادر نموده است.

مقدمه:

امام خمینی (ره) در نهضت متعالی خود گفتمانی نو و قرائتی اصیل از اسلام را ارائه داد. این گفتمان نو و اصیل برای رسیدن به اهداف خود نیازمند ساختارها و بازوانی بوده و هست که بتوانند گفتمان و رسالت انقلاب اسلامی را تحقق بخشند. بر این اساس و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ما شاهد سه نمونه از نهادها و ساختارهای انقلابی هستیم:

۱ _ نهادهایی با بعد زمانی محدود مانند کمیته انقلاب اسلامی که صرفاً برای حل یک معضل مقطعی تشکیل شده و پس از رفع مشکل کنار گذاشته شدند.

۲ _ نهادهای بدون محدودیت زمانی اما تک موضوعی و تک مسئله مانند کمیته امداد.

۳ _ نهادهای بدون محدودیت زمانی و دارای موضوع و مسئله چند بعدی مانند سپاه و بسیج.

ضرورت تشکیل بسیج

اگر بخواهیم به هدف امام (ره) از تشکیل بسیج نگاهی گذرا بیندازیم به موارد ذیل می توان اشاره نمود:

۱- قیام امام یک قیام علیه ساختار طاغوتی بود. گفتمان جدید و رویکرد نوین نیازمند تغییر ساختارهای موجود در عصر طاغوت و تشکیل ساختارهای همراه و هم فکر با نهضت امام راحل بود.

۲_ نهضت امام یک نهضت مبتنی بر مشارکت مردم و بسیج همه اقشار بود. این موضوع ضرورت تشکیل ساختارهای مردم پایه و از پایین به بالا را نشان می‌دهد. وظیفه‌ای که اینجا بر عهده بسیج گذاشته می‌شود این است که بتواند حلقه وصل بین مردم و آحاد جامعه با نظام اسلامی باشد.

۳_ نکته سومی را که باید در ضرورت تشکیل بسیج عنوان کرد، فراست و دوراندیشی امام(ره) در تشخیص آینده انقلاب و نیاز به ساختارهایی برای راهبری و حل مشکلات پیش‌رو است. امام به درستی این مسئله را متوجه شده بود که مشکلات پیش روی نظام و انقلاب در آینده نیازمند یک ساختار با گفتمان جدید و رویکرد انقلابی مانند نگاه جهادی، اخلاص و ... می‌باشد.

۴_ اگر بیداری اسلامی در دهه حاضر و انقلاب‌های منطقه را با انقلاب اسلامی مقایسه کنیم به یک مسئله می‌رسیم. انقلاب‌های منطقه صرفاً یک انقلاب سیاسی و تغییر حاکمان محسوب می‌گردند؛ چرا که صرفاً منجر به

تغییر حاکمان و مقامات بالادست شد. اما انقلاب اسلامی را می‌توان یک انقلاب اجتماعی نامید که علاوه بر تغییر حاکم و تغییر نخبگان اجرایی توانست ۲ گام دیگر را برای اجتماعی شدن انقلاب بردارد؛ تغییر گفتمان رایج و تغییر ساختارهای اجرایی دوگام امام برای اجتماعی شدن انقلاب بود. لذا هدف دیگر تشکیل بسیج را باید در پروسه تبدیل انقلاب سیاسی به انقلاب اجتماعی با ایجاد ساختارسازی مبتنی بر اندیشه‌ها و ارزش‌های نوین حاکم تعبیر و تفسیر نمود.

نگاه امام شکل دهی به یک نهضت محصور در جغرافیای ایران نبود بلکه نگاه امام نگاه به مستضعفین جهان و فراملی بود. از سوی دیگر، گفتمان مطرح شده واجد خصیصه‌هایی بود که می‌توانست و می‌تواند الگویی برای نهضت‌های آزادیبخش جهان قرار گیرد. لزوم ارتباط با مستضعفین جهان و ایجاد الگوی ساختاری برای آنها نیازمند ساختارهایی مانند بسیج و سپاه بود تا بتوانند رسالتی که برای ارتباط‌گیری با مستضعفین و احرار بر عهده گذاشته شده است را پیگیری نمایند.

بسیج ، ساختار یا گفتمان؟

انقلاب اسلامی با توجه به نظم یابی امور و پرهیز از شلختگی رفتاری در پسانهضت، نیازمند یک ساختار منسجم بود. لذا بسیج مانند هر ساختار دیگری نیازمند یک سلسله مراتب و امورات اجرایی بوده و هست. تشکیل سازمان بسیج مستضعفین و پیش از آن نیروی مقاومت بسیج با هدف نظم دهی و طراحی رسالت‌ها و برنامه‌های پیش روی انقلاب شکل گرفته‌اند. البته آنچه باید مد نظر داشت این است که رسیدن به ساختار به معنای بروکراسی‌زدگی و نفی ارزش‌های اصیل نهضت نمی‌باشد. چرا که بسیج با توجه به رویکرد و گفتمان جدید نمی‌تواند در یک ساختار اداری و بروکراتیک محصور گردد.

بسیج به دلیل جامعیت در رفتار و اندیشه نماد یک مکتب و یا گفتمان قلمداد می‌گردد. بر این اساس هست که رهبر معظم انقلاب در نگاه والای امام به بسیج به عنوان یک مکتب گفتمان می‌فرمایند: «امام عزیز ما در این بیانیه (آذر ۶۷)، و در واقع در این خطابه، با بسیج مثل یک پدری صحبت میکنند که به فرزندان خودش عشق می‌ورزد. این عبارات را من می‌خوانم: «بسیج، مدرسه‌ی عشق و مکتب‌شاهدان و شهیدان گمنامی است که بر

گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند». (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۴۰۱/۹/۵) بر این اساس باید گفت که بسیج هم ساختار است و هم گفتمان. ساختاری که باید حامل و مجری گفتمان اصیل و انقلابی بسیج گردد. لذا گفتمان مغز متفکر کار و ساختار نقش مجری را بر عهده دارد.

خصوصیات گفتمانی بسیج

براساس آنچه گفته شد اگر بسیج را یک گفتمان و یا مکتب در نظر بگیریم باید خصوصیات یک گفتمان را نیز در خود جای دهد. هر گفتمان برای ماندگاری و قوت خود ۳ اصل را باید در خود جای دهد:

۱_ دال محوری و مرکزی.

۲_ قابلیت دسترسی.

۳_ اعتبار گفتمانی.

گفتمان‌ها از مفاهیم و مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده‌اند. برخی از این مفاهیم، نقش محوری دارند که از آن‌ها به عنوان «دال مرکزی» یاد می‌کنند. کار ویژه‌ی این مفاهیم آن است که به سایر مفاهیم، نقش خاصی می‌دهند و سبب می‌گردند تفسیر خاصی از آن مفاهیم به ذهن تداعی گردد. مقام معظم رهبری، از «اخلاص» به عنوان مفهوم محوری و مرکزی گفتمان بسیجی یاد

می‌کند. ایشان این مفهوم را نشانه‌ی مرکزی در گفتمان بسیج و جهت دهنده به سایر رفتارهای افراد بسیجی قلمداد می‌کند: «پایه‌ی اصلی کار بسیجی، «اخلاص» است. «گمنام»، از جمله‌ی تعبیرات امام است: «مکتب شاهدان و شهیدان گمنام». گمنام یعنی دنبال نام و نشان نبودن... برای خدا کار کردند که این ناشی است از روحیه‌ی اعتماد به خداست... با خدا حرف می‌زنید، کسی هم نمی‌فهمد؛ خاطرتان هم جمع است که خدا دارد می‌بیند، این عبادت را محسوب می‌کند؛ شما یک حرکتی را انجام می‌دهید برای خدا، یک اقدامی را می‌کنید برای خدا، یک تصمیمی را می‌گیرید برای خدا، هیچ کس هم نمی‌فهمد. برای این تصمیم، پیش هیچ کس هم تفاخر نمی‌کنید. این را خدای متعال می‌فهمد، می‌داند، می‌نویسد. به خدای متعال اعتماد دارید، به خدای متعال حسن ظن دارید بسیجی این جوهری فکر می‌کند؛ لذاست که اخلاص به خرج می‌دهد، مخلصاً لله کار را انجام می‌دهد. اخلاص، یکی از خصوصیات است. اگر اخلاص شد، آن وقت خودپرستی‌ها و خودمحوری‌ها و این‌ها برکنار خواهد شد. ثروت‌اندوزی برای خود، دست دراز کردن به این‌جا، به آن‌جا، دیگر ممنوع خواهد شد.»

قابلیت دسترسی در گفتمان‌ها به معنای آن است که مفاهیم و تصویری را که گفتمان‌ها به ترسیم آن می‌پردازند و وعده‌ی آن را به افراد می‌دهند، به گونه‌ای نباشد که امکان دسترسی و دستیابی به آن ممکن نباشد. نکته‌ای که باید اینجا مد نظر باشد این است که در پیش رو داشتن آرمان‌های بلند محصور شدن در آنها نیست. بسیج به عنوان یک نهاد انقلابی توانسته است در گفتمان خود آرمانخواهی واقع بینانه را ترسیم و پیگیری کند، این یعنی در عین تلاش برای رسیدن به آرمان‌ها و افق پیش رو به الزامات و واقعیات میدانی هم نگاه داشته باشد.

اعتبار نیز به معنای آن است که گفتمان‌ها از مفاهیم و مؤلفه‌هایی استفاده نمایند که از ارزش و اعتبار کافی برای مردم و اذهان اجتماعی برخوردار باشد. بر این اساس رهبر معظم انقلاب می‌فرماید که «در آذر ۵۸ امام بسیج را اعلام [و] تشکیل دادند؛ تا آخر عمر هم امام نسبت به بسیج، همین نگاه اهتمام‌ورزانه را داشتند البته بسیجی که در سال ۵۸ تشکیل شد، نیازهای آن روز را تأمین می‌کرد - این یک نیاز بود - امروز بسیج نوع نیازهای دیگری را برآورده می‌کند. مسایلی که امروز مطرح است، آن روز مطرح نبود. امروز بسیج ما در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی ابتکار، در زمینه‌ی نوآوری،

پیشرو است. این هم هنر امام بود. امام در همین نوشته‌ای که در آذر ۶۷ مرقوم کردند... از دانش‌جویان و طلاب می‌خواهند که بسیج تشکیل بدهند؛ بسیج دانش‌جو و بسیج طلبه. این نشان دهنده‌ی این است که نیازی که کشور به روحیه‌ی بسیجی دارد، مربوط می‌شود به همه‌ی زمینه‌ها، از جمله زمینه‌هایی که در قلمرو حوزه‌های علمیه است و زمینه‌هایی که در قلمرو دانشگاه‌هاست...»

پادگفتمان و غیریت بسیج

سوالی که در اینجا پدید می‌آید این است که اگر بسیج را به معنای توأمان ساختار و گفتمان در نظر بگیریم پادگفتمان بسیج و رسالت و وظیفه‌ی ای که بر دوش دارد چیست؟

در یک پاسخ کوتاه باید گفت که گفتمان و رویکرد دائمی بسیج دائر بر محیط و مسئله انقلاب است. از این نکته چند اصل به دست می‌آید:

۱ - بر این اساس پادگفتمان بسیج و یا غیریت آن با احزاب و جریانات سیاسی نیست بلکه اولاً جریانات را به نسبت با انقلاب و نظام می‌سنجد و ثانیاً بسیج و رفتار بسیجی باید محلی برای سنجش نسبت با انقلاب باشد.

۲- نکته‌ای که گفته شد این موضوع را نمایان می‌سازد که عدم حضور بسیج ذیل یک جریان یا دسته سیاسی به عنوان یک اصل گفتمانی و رویکردی باید محل اعتنا قرار گیرد. البته این به معنای دوری بسیج از رفتار و کنش‌گری سیاسی نیست بلکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب «بسیج سیاسی است، اما سیاست‌زده نیست، سیاسی‌کار نیست، جناحی نیست!» و نکته دوم اینکه گفتمان بسیج باید محل سنجشی برای میزان اصالت و وفاداری جریان‌ها به انقلاب باشد؛ به تعبیر عامیانه‌ای دیگر بسیج شاقولی است که میزان وفاداری و انقلابی بودن جریان‌ها به انقلاب نسبت به آن سنجش می‌گردد.

۳- بر این اساس غیریت و پادگفتمان بسیج با توجه به تقابل نظام اسلامی با نظام سلطه، نه در مواجهه با جریان‌های داخلی بلکه در مواجهه با نظام سلطه و استکبار جهانی تعریف می‌گردد. از سویی با توجه به اینکه مسئله بسیج دائر بر محیط انقلاب ترسیم می‌گردد و مسئله و مشکلات پیش روی انقلاب متغیر است؛ بسیج نیز یک مجموعه تک بعدی نیست بلکه روزی ممکن است حالتی دفاعی یا نظامی به خود بگیرد، گاه رویکرد محرومیت‌زدایی داشته باشد، گاه فرهنگی و ...

کارکردهای بسیج در نظام اسلامی

گفته شد که بسیج تک بعدی نیست و کارکرد بسیج براساس مسئله و موضوع اصلی نظام در هر عصر تعریف می گردد. بر این اساس می توان کارکرد و موضوع بسیج را در پس از انقلاب در سه زمان متفاوت تعریف و دسته بندی نمود:

گام اول (از آذر ۵۸ تا شهریور ۵۹): رویکرد بسیج در این دوره با وجود نوپا بودن انقلاب اسلامی و ناامنی های موجود در نقاط مختلف کشور، مواجهه با گروه های تجزیه طلب و پدیده های ناامن ساز کشور بود.

گام دوم (از شهریور ۵۹ تا پایان جنگ در سال ۶۷): در این بازه زمانی و با توجه به اینکه موضوع اصلی انقلاب و نظام اسلامی موضوع جنگ می شود، بسیج نقش رابط بین مردم و ساختارهای دفاعی کشور را بر عهده دارد و تلاش می کند تا بخشی از ساختار دفاع مقدس باشد.

گام سوم (از پایان جنگ تا به امروز): با پایان جنگ مسئله و موضوع نظام و انقلاب از قالب تک بعدی و تک مسئله بودن خارج می شود و چند بعدی می گردند. رهبر معظم انقلاب در توصیف خصوصیات این برهه زمانی می فرمایند که «میدان امروز، میدان پیچیده تری است. رفتن در

عرصه‌ی جنگ و قتال و مبارزه کردن و مسئولیت به عهده گرفتن، بعد هم به شهادت رسیدن یا جانباز شدن، یا به سلامت برگشتن، حضور در آن میدان کار خطرناکی است، اما پیچیدگی ندارد. حضور در میدان امروز در مقابله‌ی با توطئه‌ی دشمن، حمله‌ی دشمن، و صف‌آرایی این دو صف و دو جبهه‌ی برجسته پیچیدگی‌هایی دارد؛ ممکن است آن خطرات نقد آن روز، امروز نباشد، لکن پیچیدگی‌های بیشتری دارد. امتیاز آن صحنه این بود که کسی که میرفت، خلوص واضحی از خود نشان میداد.» لذا در حال حاضر اگر بخواهیم کارکردی برای بسیج تعریف نماییم می‌توان گفت که کارکرد این نهاد در عصر فعلی چند بعدی است. اهم کارکردهای بسیج در شرایط کنونی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- **کادرسازی انقلابی:** وجود منابع انسانی توانمند یکی از نیازها و الزامات هر ساختاری خصوصا انقلاب‌هاست. کادرسازی و انسان پروری با توجه به تفاوت ماهوی انقلاب اسلامی با رژیم پهلوی یکی از الزامات اصلی انقلاب بود؛ چرا که ما در دوره‌های سابق شاهد افراد خودباخته‌ای همچون تقی‌زاده، رزم‌آرا و ... بودیم که باید در رویکرد جدید از سیستم حذف و منابع انسانی تراز انقلاب اسلامی جایگزین آنها گردد. همه اذعان دارند که یکی از مهمترین

نهادهایی که توانسته است در ساخت نیروی انسانی توانمند و متعهد جهت انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پیشتاز باشد مجموعه بسیج است. لذا بر این اساس شهدای بسیجی مانند شهیدان باکری، همت، همدانی، سلیمانی و ... را مصداق بخش اول آیه یعنی «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» دانست که جانشان را به مصداق «مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» در طبق اخلاص گذاشتند تا به مردم ایران و منطقه امنیت ببخشند و امروز ما ثمره چنین ایثارگری‌هایی را به صورت ملموس در سراسر منطقه مشاهده می‌کنیم. اما با توجه به استمرار و ضرورت انقلاب اسلامی این کادرسازی محدود به دفاع مقدس نگشته و ما شاهدیم که نیروهای بسیج در همه عرصه‌های انقلاب از جنگ سوریه تا زلزله کرمانشاه، سیل خوزستان و ... حضور دارند؛ لذا فرماندهان و مجاهدان امروز بسیج خصوصاً نیروهای جوان مصداق بخش دوم آیه، یعنی «وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» دانست که با وجود ندیدن پیروزی انقلاب و شخص امام راحل (ره) حاضر به جان فشانی برای انقلاب اسلامی هستند.

۲- **بازدارندگی نظامی:** وجود شرایط آنارشیک در سیستم بین الملل و تلاش همه واحدهای سیاسی برای بقای خود باعث شده است که ایجاد بازدارندگی یکی از الزامات باشد. تجربه تاریخی نشان داده است که کشورهایمانند اوکراین، عراق، لیبی و ... زمانی مورد حمله قرار گرفتند که بازدارندگی

نداشتند. براین اساس باید یکی از خدمات و کارویژه های بسیج در نظام اسلامی را ایجاد بازدارندگی دانست.

۳- **بسیج بازوی صدور انقلاب:** شعارها و آرمان های انقلاب اسلامی، مبتنی بر فطرت عامه و الهی است، لذا مخاطب آن، ابناء بشر است و نه طبقه یا گروه خاص است. بر این اساس صدور انقلاب را باید «صدور فرهنگ انسان ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش های انسانی ۱ دانست». دستاورد مهم بسیج را باید صدور انقلاب به منطقه و جهان دانست. البته این نکته را باید مد نظر داشت که «انقلاب، محموله نیست که بتوان آن را به جای دیگری برد و یا به کشور دیگری صادر کرد. انقلاب، با جاذبه های خودش صادر شده است.»^۲ لذا صدور انقلاب توسط بسیج را در تعمیق بخشی به اصولی مانند استقلال خواهی، استکبارستیزی، تکیه بر هویت اصیل ملی و اسلامی، تکیه بر توانمندی های داخلی و ... دانست که باعث شده است جذابیت هایی را برای بسیاری از جوامع و نهضت های درون منطقه غرب آسیا و فراتر از منطقه بوجود بیاورد.

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب [در دیدار افشار مختلف مردم](#)، ۱۶/۰۴/۱۳۶۸.

۲- [بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه های نماز عید فطر](#)، ۰۴/۰۱/۱۳۷۲.

این هویت بخشی و ایجاد روحیه استکبارستیزی باعث تحولاتی شگرف در منطقه از شکل گیری حزب الله در لبنان تا تقویت گروه‌های مقاومت در یمن، فلسطین، عراق و... گردید. برخلاف ارتش‌های معمولی که برای منافع کشورها یا دولتمردان خود می‌جنگند این ارتش هویتی فراملی در جایی که اسلام در خطر بوده، یا استکبار جهانی خواسته ساختار منطقه را تغییر دهد و یا به مسلمانان تعرض کند حاضر بوده است. نمونه موردی آن را باید در تقابل با فتنه داعش که به نوعی یکی از طراحی های استکبار جهانی جهت تغییر نقشه جغرافیایی منطقه بود مشاهده کرد. بسیج امروز و به واسطه این بازدارندگی و ساخت ارتش هویتی فراملی مبتنی بر اندیشه والای امام راحل(ره) یکی از شاخص های تاثیرگذار در معادلات منطقه‌ای است. نقطه اوج این امر تشکیل اولین ارتش هویتی فراملی در منطقه و جهان در تقابل با گروهک تکفیری داعش با مدیریت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود. نمونه بارز دیگری را که می‌توان برشمرد رشادت‌ها و دلاورمردی‌های نیروهای مقاومت از یمن، لبنان، فلسطین، عراق و ... در مواجهه با رژیم صهیونیستی است.

۴- **امنیت پایدار بر پایه توانمندی‌های بومی:** قرار گرفتن در منطقه پر آشوب غرب آسیا، گستره مرزی در چهارگوشه کشور و کشورهای پرتنش در محیط

پیرامونی و همسایگی ایران تامین امنیت برای مرزهای داخلی و خارجی را با تهدیدات و چالش‌های متنوعی روبه‌رو کرده است. بدون تردید باید پذیرفت که حفظ امنیت و مواجهه درست با این چالش‌ها در محیطی که پیرامون آن در دریای مواجی از تلاطم و ناامنی قرار دارد کار دشواری می‌نماید. تکیه بر ارکان داخلی و عناصر قدرت ملی برای تامین امنیت کشور رویکردی است که در حیطه استراتژی جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود. همین مساله باعث شده با وجود اینکه منطقه غرب آسیا و خاورمیانه با چالش‌های امنیتی فراوانی روبه‌رو است، اما مرزهای داخلی جمهوری اسلامی ایران از امنیتی پایدار برخوردار باشد. با این اوصاف، بسیج با نقش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف در رفع این تهدیدات کامیابی‌های فراوانی داشته است.

۵- **هم افزایی با ارکان نظام در خدمت محرومین و مستضعفین:** خدمت و کارویژه پنجم بسیج هم افزایی با همه دولت‌ها جهت محرومیت‌زدایی از جامعه و پیشرفت کشور بوده است. این هم افزایی بدون نگاه حزبی و صرفاً براساس احساس نیاز انقلاب و نظام و مطابق با بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که می‌فرمایند: «وقتی می‌گوییم «بسیج»، مراد ما فقط یک مجموعه‌ی نظامی و مُلبس به لباس نظامی و آموزش‌های نظامی نیست؛ بلکه بسیج، یعنی مجموعه‌ی انسانهایی که نیروی خودشان را به میدان می‌آورند تا در جهاد عمومی کشور

و ملتشان، در جهت رسیدن به قله ها، فعال باشند و با آن ها همکاری کنند و در کارشان سهیم باشند. (بیانات سال ۱۳۸۴- ص ۲۳۱).»

نمونه این خدمات رسانی بی حد و مرز را می توان در حوادث غیر مترقبه ای مانند سیل، زلزله، بحران کرونا، کمک رسانی به مناطق محروم و ... جست. البته این هم افزایی صرفا محدود به حوادث غیرمترقبه نمی شود؛ چرا که کمک به توسعه و پیشرفت کشور، پشتیبانی از مجامع علمی، همیاری و همراهی با نهادهای نظارتی و قضایی در مبارزه با تخلفات و مفاسد، خدمات رسانی به مناطق محروم با راه اندازی اردوهای جهادی و ... نمونه هایی از هم افزایی بسیج با دیگر ساختارهای موجود حاکمیتی و دولتی در نظام است. این خدمات فراجناحی بسیج باعث شده که بعنوان یار و یاور مردم و مستضعفین و خاری در چشم مستکبرین محسوب گردد.

۶- نقش بسیج در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن: جنگ هیبریدی یا همان جنگ ترکیبی به راهبرد نظامی پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که ترکیبی از نبردهای متعارف، نامتعارف، سایبری، روانی و اطلاعاتی را در خود جای می‌دهد. در واقع طیف گسترده‌ای از ابزارهای متعدد به شیوه متقارن یا نامتقارن در این نوع جنگ که نبردی غیرخطی به شمار می‌رود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در جنگ ترکیبی یکی از نهادهایی که می‌تواند به نظام و انقلاب کمک شایانی نماید بسیج

است؛ چرا که بسیج با داشتن منابع انسانی فراگیر، اخلاص در مواجهه با مشکلات انقلاب و نظام و ... یک مجموعه با ابعاد فراگیر برای دفاع ترکیبی است. در جنگ ترکیبی، دشمن دستاوردهای فکری، معنوی و اعتقادی انقلاب را آماج حملات نابرابر خویش قرار داده است. تردیدی باقی نمی‌ماند که بسیج ضمن درک صحیح از عرصه نبرد و شناخت ابعاد و زوایای پیچیده و پنهان این تهاجم و با اعتقاد قلبی به اینکه جنگ ترکیبی نه یک توهم بلکه یک واقعیت است و هم اینک در جریان است باید به دفاع و حراست از انقلاب و ارزش‌ها و شعائر آن پردازد. امروز با اهمیت یابی جهاد تبیین بواسطه بیانات رهبر معظم انقلاب، نقش بسیج در شکل دهی و عمل به این جهاد اهمیتی دو چندان می‌یابد.

چرایی هجمه به بسیج

براساس آنچه گفته شد علت تخریب و هجمه علیه ساختار بسیج را در موارد ذیل می‌توان دسته بندی نمود:

۱- **تفاوت ماهوی بسیج با نظام سلطه:** آنچه از رفتارشناسی و تحلیل محتوای جریان مخالف بسیج بر می‌آید این است که انقلاب اسلامی و بسیج بعنوان مولود انقلاب در تعارض ماهوی با نظام سلطه پدید آمده است و بعلت همین تفاوت ماهوی این هجمه‌ها و تخریب‌ها علیه بسیج یک امر قطعی و قابل

پیش بینی است. این نکته صحیح و درستی است که این هجمه ها می تواند تصدیقی بر صحیح بودن مسیر طی شده باشد.

۲- **بسیج ستون خیمه انقلاب اسلامی:** بسیج را باید یکی از نهادهای قوم دهنده انقلاب اسلامی دانست لذا یکی از علت های هجمه به بسیج را باید در این چسبندگی بسیج به انقلاب و نشانه گرفتن اصل نظام در هجمه ها از سوی دشمن دانست.

۳- **الگوسازی برای نهضت های آزادیبخش و احرار جهان:** انقلاب اسلامی بعنوان یک جنبش و نهضت اسلامی و انسانی در عصری پدید آمد که دین و معنویت بعنوان ارکان و اضلاع فراموش شده دنیا محسوب می گردید. انقلاب اسلامی و بسیج بعنوان نهاد برآمده از این انقلاب توانست احیاگر معنویت گرایبی و دین در عصر جدید و محل رجوع نهضت های آزادیبخش و احرار جهان باشد. بی شک این امر برای استکبار جهانی و جریان های همسوی آن محل چالش بوده و می تواند یکی از دلایل هجمه و تخریب علیه بسیج تلقی شود.

۴- **بسیج بعنوان نماد کارآمدی:** اقدامات بسیج در برهه های مختلف انقلاب خصوصا در مواقعی که نظام با بحران کارآمدی دولت ها و مسئولین و متولیان اجرایی مواجه بوده است باعث گردیده که بسیاری بسیج را بعنوان یک نهاد

کارآمد و نماد کارآمدی انقلاب و نظام اسلامی برای رفع محرومیت‌ها و مشکلات بدانند. این امر در حالی است که نظام سلطه بدنبال این است که انقلاب و نهادهای انقلابی منبعث از آن مانند بسیج را نماد ناکارآمدی و مشکلات موجود تعریف نماید. این امر موجب می‌گردد که نظام سلطه و جریان‌های همسو به تخریب بسیج و هجمه علیه آن پردازند.

۵- **بسیج نماد امیدآفرینی:** رهبر معظم انقلاب در چند سال گذشته بر شناخت جریان تحریف و تبیین کارکرد آن تاکید بسیاری داشته‌اند. اگر کارکرد جریان تحریف را مایوس کردن مردم از انقلاب تعریف کنیم، بسیج را می‌توان بعنوان آنتی تز جریان تحریف قلمداد کرد. بسیج با خدماتی که در حوزه محرومیت‌زدایی، کمک به مستضعفین، افزایش توان امنیتی کشور و ... داشته است، باعث امیدآفرینی در جامعه شده است که دقیقا در نقطه مقابل هدف و کارکرد جریان تحریف قرار دارد. این موضوع می‌تواند مدخلی برای تخریب‌ها و هجمه‌ها علیه بسیج باشد.

بسیج و مقاومت منطقه‌ای

عرصه بین الملل عرصه تغییرات و فراز و فرود قدرت‌ها بوده و هست. در این میان اضمحلال نظم دوره تک قطبی و شکل‌گیری نظم نوین امری قطعی و غیر قابل کتمان است. ما در شرایط حاضر شاهد شکل‌گیری

قدرت‌های نوین جهانی مانند چین و قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران هستیم. آنچه در افزایش قدرت منطقه‌ای و جهانی به جمهوری اسلامی کمک می‌نماید استفاده از ظرفیت نیروهای معتقد به انقلاب اسلامی و پایبند به ارزش‌های انقلاب است. بر این اساس در نظم نوین تراز انقلاب اسلامی قطعاً، ایجاد ساختارهای همسو با انقلاب اسلامی برای افزایش ظرفیت‌های نظام اسلامی در عرصه بین‌الملل باید مورد توجه قرار گیرد. بسیج با توجه به گفتمان اصیلی که مطرح کرده و تجربه بزرگی که در ۴ دهه گذشته در مواجهه با مسائل، چالش‌های تهدیدزا و روندهای فرصت‌آفرین داشته می‌تواند محور خوبی برای صدور انقلاب اسلامی و تقویت مستضعفین جهان باشد. به کارگیری الگوی بسیج در مواجهه با جریان تکفیری تروریستی داعش در سوریه و عراق، مواجهه با رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان، مواجهه با آل‌سعود در یمن و... نشان داد که الگوی بسیج در این عصر یک الگوی کارآمد و مجرب است.

برای مثال در جنگ سوریه و پس از آن حمله تروریست‌های داعش به عراق نقش نیروهای مردمی بسیار قابل توجه است. چند سال پیش بود که مقامات دولت سوریه با الهام گرفتن از الگوی نیروی مقاومت بسیج در ایران، اقدام به راه‌اندازی ارتشی مردمی به نام جیش الشعبی در سوریه کردند که این ابتکار بلافاصله تاثیر خود را در مهار و شکست فتنه

تروریست‌ها و حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آنها در این کشور نشان داد. این موضوع یک امر مسلم است که تشکیل ارتش مردمی در سوریه الگوبرداری از بسیج مردمی در انقلاب اسلامی بود. تجربه انقلاب اسلامی و نقش بسزای نیروی مردمی بسیج برای سوریه تجربه‌ای بزرگ و ارزشمند است. نیروهای دفاعی مردمی سوریه متشکل از گروه‌های مردمی شیعه، سنی، علوی و مسیحی است که با توجه به مناطق مختلف این کشور شکل گرفته‌اند. سپردن امنیت بخشی از شهرها به نیروهای مردمی و بسیجی این فرصت را برای ارتش سوریه فراهم کرده تا بتواند با نیروهای بیشتری در صحنه‌های درگیری با تروریست‌ها ظاهر شوند و به پیروزی‌های بسیاری برسند. مدلی که در عراق و در مواجهه با نیروهای تکفیری مانند داعش نیز کارآمدی خود را نشان داد. به حقیقت می‌توان گفت، استفاده سوریه و عراق از تجربه تشکیل نیروی مردمی در انقلاب اسلامی، نقش موثری در سرکوب تروریست‌های تکفیری از جمله داعش داشت.

موفقیت این روزهای مقاومت به ویژه مقاومت فلسطینی در مواجهه با نظام سلطه و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه و کرانه باختری مبتنی بر الگویی است که بسیج ساخته و بر دل و قلوب ملت‌های مستضعف صادر نموده است. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جهت‌گیری آزادی‌خواهانه و ضد اسرائیلی آن‌که به قطع روابط استراتژیک و دیپلماتیک

با رژیم صهیونیستی و نیز برقراری اتحاد با سوریه و تقویت حزب الله لبنان و هم‌چنین به تلاش برای ایجاد همبستگی میان کشورهای اسلامی در مبارزه با اسرائیل انجامید، از کارکردهای جهانی بسیج بوده است. ایران که پیش از انقلاب اسلامی، یکی از کشورهای حافظ منافع رژیم اسرائیل بود، پس از پیروزی انقلاب، به کانون مبارزه با اسرائیل بدل گردید و این کشور قلب تپنده مقاومت اسلامی علیه اسرائیل شد و پرچم مبارزه‌ای که سران کشورهای عربی با امضاء پیمان کمپ دیوید به زمین گذارده بودند، امام با ابهت و شهامت تمام به دست گرفتند و به مبارزات ملت فلسطین هویت اسلامی بخشیدند. یکی از شعارهای اولیه در نهضت امام خمینی(ره) مساله‌ی دفاع از مظلومان بود که مساله فلسطین و حمایت از فلسطینیان در صدر این هدف قرار داشت؛ زیرا انقلاب اسلامی بر باورهای اسلامی مردم استوار بوده و مساله‌ی فلسطین جزئی از این باورها بوده است.

در نتیجه انقلاب اسلامی، موجی از امید در دل جنبش‌های مقاومت فلسطین پدیدار گردید که به رشد و استحکام آنان منجر گردید. از جمله‌ی این جنبش‌ها، جنبش جهاد اسلامی است که با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران تأسیس شد و همواره نقش بسیار مؤثری در مبارزه با اسرائیل ایفا کرده است. این جنبش با اقدام‌هایی نظیر هدایت انتفاضه، عملیات چریکی

و استشهادی علیه اهداف و منافع رژیم اسرائیل و سازمان‌دهی مردم فلسطین در مبارزه با صهیونیسم جهانی نقش مهمی در مبارزه با رژیم صهیونیستی داشته است. آنچه امروز مبارزه فلسطینی‌ها را کارآمد و پویا ساخته استفاده از الگوی بسیج و ساختارشکنی در مواجهه با رژیم صهیونیستی است.

نتیجه گیری:

براساس آنچه گفته شد بسیج را باید ساختار و گفتمان توامان و در هم تنیده دانست. گفتمانی که ساختار نوپای بسیج را رشد داده و تا به امروز پویا و فعال نموده است و ساختاری که وظیفه‌اش تحقق بخشیدن به گفتمان و ارزش‌های متعالی انقلاب اسلامی است. این در هم تنیدگی گفتمان و ساختار موجب شده است تا بسیج به یک پدیده بزرگ در عصر حاضر تبدیل گردد. پدیده‌ای که امروز تبدیل به نماد مبارزه با استبداد داخلی و مبارزه با استعمار و استکبار خارجی در میان ملت‌های مستضعف گردیده است. این پویایی و الهام‌بخشی تا زمانی استمرار دارد که بتواند به ریشه اصلی خود، یعنی گفتمان اصیل امام(ره) تمسک کند و پا برجا بماند.